

بازتاب باور به گیاه تباری و ایزدان گیاهی در آیین‌ها و مناسک ایرانی

فاطمه کرامتی^۱

حسن دلبری^۲

زهرا جمشیدی^۳

مهیار علوی مقدم^۴

چکیده

گیاه تباری به مثابه عنصری با ویژگی‌های خاص، ارتباط مستقیم با مفهوم مردم‌شناسی و ارتباط انسان با طبیعت دارد. این پژوهش به بررسی تأثیرات اعتقاد به گیاه تباری در زندگی مردم و نقش آن در آیین‌های مختلف جامعه می‌پردازد. در این راستا، از آیین‌ها و آداب و رسوم ویژه‌ای که در استفاده از گیاهان مقدس و نمادین در مراسم دینی و فرهنگی وجود دارد، یاد می‌شود و به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی تأثیر باور به تقدس گیاه و نقش گیاهان در برگزاری آیین‌ها، جشن‌ها و عزاداری‌های مردم ایران پرداخته می‌شود و در بدنه اصلی مقاله، ابعاد مختلف این اعتقاد، بررسی شده و اهمیت آن در زندگی مردم و باورهای آیینی آن‌ها تحلیل می‌شود. در پژوهش حاضر، ابتدا داده‌ها با استفاده از کتاب‌ها و مقالات پژوهشی در آیین‌های مختلف برای شناخت هرچه بیشتر مبحث گیاه تباری گردآوری شده یافته‌ها نشان می‌دهند که گیاه تباری علاوه بر جنبه‌های دینی و مذهبی، در ارتباطات اجتماعی و فرهنگی نیز نقش بسزایی دارد. با توجه به منابع تاریخی، این باورها و استفاده‌های آیینی از گیاهان، به تقویت هویت فرهنگی و پیوندهای اجتماعی میان اعضای جامعه کمک کرده و در شکل‌دهی به روحیه جمعی و معنویت فردی تأثیرگذار بوده است. کلیدواژه‌ها: ایزدان گیاهی، گیاه تباری، زندگی اجتماعی، آیین‌ها.

^۱ - دانشجوی دکتری ادبیات حماسی دانشگاه حکیم سبزواری Email: mostafa.fateminasab@hsu.ac.ir

^۲ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول) Email: h.delbari@hsu.ac.ir

^۳ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری Email: z.jamshidi@hsu.ac.ir

^۴ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری Email: m.alavi.m@hsu.ac.ir

۱- درآمد

باور داشتن به پیوند میان انسان و گیاه، در قالب مفاهیمی چون گیاه‌تباری و ایزدان گیاهی از مضامین رایج فرهنگی در تمدن‌های کهن است و در اسطوره‌ها و روایت‌های مذهبی، آیین‌ها و مناسک جمعی بازتاب می‌یابد و لایه‌هایی از جهان‌بینی پیشینیان را نمایان می‌سازند. در فرهنگ ایرانی، بازمانده‌هایی از این نگرش در مراسم فصلی، آیین‌های کشاورزی، مناسک شفابخشی، جشن‌ها و حتی آئین‌های مذهبی قابل مشاهده است. با وجود مطالعات متعدد در زمینه اسطوره‌شناسی و آیین‌های ایرانی، کمتر توجه مستقلی به بازتاب مفهوم گیاه‌تباری و ایزدان گیاهی در آیین‌های ایرانی، به‌ویژه در پیوند با لایه‌های فرهنگی و اجتماعی و تحولات تاریخی آن، دیده می‌شود. از این‌رو، بررسی این موضوع می‌تواند چشم‌اندازی نو بر نحوه تداوم یا دگرگونی این باور در سنت‌ها و آیین‌های ایرانی بگشاید.

در بسیاری از جوامع سنتی و بومی، گیاهان به عنوان عناصر نمادین با ویژگی‌های خاص مذهبی و فرهنگی شناخته شده‌اند. گیاهان در بسیاری از آیین‌ها و مراسم مختلف اجتماعی انعکاس می‌یابند و نمادی از تولد، تداوم حیات و بازگشت به طبیعت است که در زندگی روزمره مردم و در باورهای فردی آن‌ها، خود را نشان می‌دهد.

ایران، با وجود تنوع جغرافیایی و فرهنگی گسترده‌ای که دارد، بستری مناسب برای بروز و ظهور باورهای مختلف مربوط به طبیعت و گیاه بوده است. از جمله این باورها می‌توان به آیین‌های مربوط به کشاورزی، آیین‌های مذهبی، جشن‌ها و مراسم سور و سوگ اشاره کرد. استفاده از گیاهان در مراسم خواستگاری، ازدواج، تولد، مرگ و دیگر مناسبت‌های مهم زندگی انسانی، نشان‌دهنده جایگاه ویژه این گیاهان در ساختار اجتماعی و معنوی جوامع مختلف است.

۱-۱- بیان مسئله

انسان همواره به دنبال کشف علت آفرینش و چگونگی شکل‌گیری هستی بوده و از دیرباز «می‌کوشیده تا سامان اسطوره‌ای جهان را در جهت رفع نیازها و تحقق اهدافش به خدمت بگیرد و از این طریق بر سرنوشته خود تأثیر بگذارد» (ارشاد، ۱۳۸۲: ۲۳۹). اسطوره، تفسیر انسان نخستین از جهان و طبیعت است. «الیاده اسطوره‌ها را تلاش بنیادین بشر برای پاسخ به رازآلودگی آفرینش و پیدایش کیهان می‌داند» (منبر، ۱۳۹۹: ۱۸). زندگی در طبیعت و احساس قربت انسان بدوی با آن، همچنین اهمیت گیاه به عنوان نخستین خوراک انسان از یک سو و ارتباط آن با متافیزیک و احساس جان‌دارانگاری طبیعت و میل به کشف رموز عالم ماده از دیگر سو موجب شده که طبیعت و عناصر آن از مهم‌ترین موضوعات ذهن بشر ابتدایی باشد (رک قاسم‌زاده و امیری، ۱۳۹۷: ۱۳۱).

در جوامع مختلف، گیاهان نه تنها به عنوان منابعی برای تأمین نیازهای مادی، بلکه به عنوان نمادهایی معنوی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته‌اند. یکی از مفاهیم مهم در این زمینه، اعتقاد به «گیاه‌تباری» است که اغلب به گیاهان

خاص یا مقدسی اطلاق می‌شود که در باورهای مذهبی و آیینی نقشی برجسته دارند. «آیین‌ها از جمله مناسکی هستند که سبب گردهمایی مردم و حفظ و بازتولید بن‌مایه‌های فرهنگی در هر قوم می‌شوند» (شریعتی راد و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۹)

مسئله بنیادی این پژوهش، بررسی تأثیر این اعتقاد در زندگی مردم و آیین‌های فرهنگی و دینی است. گیاهان مقدس به عنوان نمادهایی از پیوند انسان با طبیعت و قدرتهای ماورایی در زندگی روزمره مردم چه جایگاهی دارند؟ آیا این اعتقادات تنها در جنبه‌های مذهبی محدود می‌شوند یا در سایر ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز نمود پیدا می‌کنند؟ در بسیاری از جوامع، گیاهان مقدس نقش‌هایی فراتر از آنچه که در سبد غذایی یا دارویی دارند، ایفا می‌کنند. در این راستا، بررسی چگونگی انعکاس اعتقاد به گیاه تباری در آیین‌ها و باورهای مردم و همچنین تأثیر آن بر روابط اجتماعی، هویتی و فرهنگی جامعه، موضوع اصلی این مقاله است. این پژوهش تلاش می‌کند تا ابعاد مختلف این باور را تحلیل کرده و نشان دهد که چگونه این اعتقادات در قالب آیین‌ها و مراسم مختلف به تثبیت و تقویت فرهنگ و هویت جوامع کمک می‌کند.

۱-۲- پیشینه پژوهش

فاضلی و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی «رهیافت میان فرهنگی به گیاه و درخت در اساطیر و ادبیات» را در نشریه ادب، بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که با مطالعات میان‌فرهنگی می‌توان به ارتباط‌های افقی، متوازن و متقارن دست یافت و نشانه‌ها و نمادها و نظام‌های مفهومی و استعاره‌ای مربوط به گیاهان، بخش بزرگی از این امر را تشکیل می‌دهند.

آیدنلو (۱۳۹۳) در مقاله «اسفندیار، ایزدگیاهی» در فصلنامه پژوهش‌های ادبی، با بررسی هجده بن‌مایه مشترک بین ایزدان گیاهی و نیز قرآینی دیگر درباره اسفندیار، با قید احتیاط کامل، نام او را در کنار سیاوش، تجسد بشری نامدار ایزدان گیاهی قرار داده است.

همتی ترحمی و دیگران (۱۳۹۷)، در مقاله «بررسی جایگاه نباتی انسان و حیوان از منظر اساطیر آفرینش در ایران باستان» در نشریه مطالعات تاریخ پزشکی، جایگاه نباتی انسان و حیوان از منظر اساطیر آفرینش را در ایران باستان بررسی کرده‌اند و معتقدند آفرینش انسان و حیوان از بن‌مایه‌های نباتی قابل استنباط است.

قاسم‌زاده و امیری‌فر (۱۳۹۸) در پژوهش «بازخوانی تطبیقی خویشکاری نباتات در اساطیر جهان»، معتقدند نقش گیاه در ساختار طبیعت‌محور جوامع بدوی، بیشترین اهمیت و بسامد را دارد و این فقط به‌خاطر طبیعی بودن گیاه و نقش حیاتی آن در کشت و کار و تغذیه نیست بلکه حضور گیاهان در هر سه طبقه اجتماعی فرمانروا، سلحشور و نیز ناظران کشت و کار و باروری موجب اهمیت و اصالت خویشکاری آنهاست.

سرمدی (۱۴۰۰) در نشریه مطالعات ادبیات تطبیقی به «بررسی تطبیقی گیاه‌تباری در اساطیر جهان» می‌پردازد و علت اصلی شباهت در اساطیر را مربوط به لایه جمعی ناخودآگاه ذهن انسان، شرایط مشترک اقتصادی، اجتماعی و ارتباطی بشر و نیز مهاجرت نخستین بشر از کنیا و تبادل، تلفیق و ترکیب فرهنگی جوامع می‌داند.

جهان‌پور (۱۴۰۰) در فصلنامه پازند در پژوهش «انگاره سرو در خیال ایرانی» به اهمیت جایگاه سرو در باور ایرانیان از دوره باستان تا دوره اسلامی پرداخته و به این نتیجه رسیده است: باور به تداوم حیات انسانی پس از مرگ در ذات گیاه سبب شده است انسان‌ها مراسم مربوط به مرگ و باززایی را در قالب کاشت درخت برگورها و برپا کردن علم و نخل و تابوت‌گذاری نمایش دهند و درخت سرو به عنوان نمادی از جاودانگی در آیین‌های مربوط به زادمرد نقش چشمگیری دارد.

قربانی جویباری و شامیان (۱۴۰۲) در مقاله‌ای در پژوهشنامه فرهنگ و ادبیات آیینی، ریشه‌های اساطیری و آیینی پیکرگردانی در افسانه‌های خراسان جنوبی را بررسی کرده‌اند و دستاورد آن‌ها این است که پیکرگردانی در اغلب افسانه‌های محلی آن منطقه وجود دارد و معتقدند که اغلب استحاله‌ها به ریشه‌های اساطیری و آیینی همچون ایزدگیاهی یا ایزدتباری و نقش‌های مهم حیوانات در زندگی بشر به عنوان یاریگران ایزدان برمی‌گردد.

۶-۱- مبانی نظری

یکی از مسایل مهم در اسطوره، بحث حیرت انسان در برابر هستی است و می‌کوشد تا به شناختی از خود، طبیعت و محیط اطرافش برسد. «اسطوره‌ها، تفکرات انسان را درباره هستی روایت می‌کنند، قالب‌های تثبیت‌شده‌ای هستند که در آن‌ها آدمی می‌کوشد این شناخت را بیان کند» (هیلنز، ۱۴۰۱: ۲۵) و همواره در اسطوره، سخن از این است که چگونه هر چیزی پدید می‌آید و به هستی خود ادامه می‌دهد. مخبر، اسطوره را افسانه‌ای سنتی می‌داند که مضمونش آفرینش جهان و چگونگی به سامان درآمدن آن است (رک: مخبر، ۱۳۹۹: ۲۲).

یکی از شکل‌های پیوند زندگی انسان با طبیعت، اعتقاد به تقدس و سپندینگی درختان و گیاهان و گل‌ها است که «به عنوان نمادهای روحانی و قدسی، برانگیزاننده وجدان اساطیری انسان در اتصال به خداوند هستند» (فاضلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹). این سپندینگی گیاهان ریشه در عوامل متعددی دارد: انسان نخستین با دیدن پیکرهای بی‌جان که پس از مرگ خاک می‌شدند و گیاهانی که اندکی بعد از مرگ و یا با تجزیه انسان و حیوان سر از خاک برمی‌آوردند، چنین می‌انگاشت که اکنون ملنای آن مردار در پیکره این گیاه به حیات خود ادامه می‌دهد. بنابراین به تدریج لندیشه خداگیاهی و گیاه‌تباری شکل گرفت. در اساطیر ملل مختلف عقاید بسیاری در مورد خلقت انسان و حیوان سر از خاک برمی‌آوردند، چنین می‌انگاشت تشابه بیشتر به لایه جمعی ناخودآگاه ذهنی بشر برمی‌گردد و به دنبال فرافکنی‌های ذهنی، خداگیاهان را به وجود می‌آورد (رک: سرمد، ۱۴۰۰: ۵۳۲). یکی دیگر از عوامل تقدس نباتات، شرایط اقتصادی، اجتماعی و عاطفی بشر آن

روزگار است «خدایانی که به وجود می‌آمدند در پیشبرد اقتصاد کشاورزی مردم آن روزگار تأثیر بسزایی داشتند» (همان). علاوه بر این انسان‌های نخستین نسبت به گیاهان مختلفی که احساس و عاطفه آنان را برمی‌انگیختند، تمایل نشان می‌دادند و می‌انگاشتند که از نسل همین گیاهان هستند و پس از مرگ نیز به مرجع خود، که همان گیاه است، بازخواهند گشت. دلیل دیگر اعتقاد به خداگیاهی و خداتباری، مربوط به تأثیر شفابخشی برخی از گیاهان بود و گیاهانی را که خاصیت شفابخشی داشتند در زمره خدایان می‌دانستند.

۲- بحث و بررسی

گیاه‌تباری، به معنی از نسل نوعی گیاه بودن و به آن نسب بردن است. این تعریف مبین چیزی است که بنا به تعریفی تخمینی و تقریبی می‌توان آن را از مناسبات سرّی میان درختان و نوع بشر نامید. یکی از قطعی‌ترین این مناسبات، نسب بردن دودمان‌ها به نوعی گیاه و نبات است، بدین معنی که درخت یا بوته، نیای اساطیری قبیله تلقی می‌شود (رک: واحد دوست، ۱۳۹۹: ۳۴۲).

در مطالعات مردم‌شناسی و فرهنگی، نمادها و نشانه‌ها بخش مهمی از هویت فرهنگی و اجتماعی جوامع را شکل می‌دهند. انسان با گرایش به نمادآفرینی، ناخودآگاه شکل‌ها را تغییر می‌دهد تا رنگی دینی یا هنری بیابند (رک: یونگ، ۱۳۷۸: ۱). در جوامع مختلف، برخی از مفاهیم نماد و سمبل چیزهای خاصی بودند. از میان آن‌ها «گیاه و درخت را می‌توان کهن‌الگوهای دانست که در بسیاری از فرهنگ‌های باستان ارج و مرتبه‌ای همسان داشته‌اند» (طاهری و سلطان‌مرادی، ۱۳۹۲: ۲) و به‌عنوان نمادهایی معنوی، نقش پررنگی در ساختار فرهنگی و اجتماعی مردم ایفا می‌کنند و می‌توانند در باورهای مذهبی، آیین‌های اجتماعی و مراسم مختلف سور و سوگ، حضور یابند و بر حیات انسان تأثیر بگذارند. مهرداد بهار می‌گوید: «اسطوره‌شناسی بخشی است از مردم‌شناسی فرهنگی که آن خود از مردم‌شناسی منشعب می‌گردد» (بهار، ۱۴۰۰: ۳۴۴) و «با ریشه‌یابی بسیاری از واکنش‌ها در موقعیت‌های مختلف و یا در فعالیت‌های اجتماعی می‌توان تأثیر باورهای اسطوره‌ای را در شکل‌بخشی به آن‌ها مشاهده کرد» (دشتی، ۱۳۹۸: ۱۶)؛ زیرا تشریفات آیینی به نوعی از ذهنیت ابتدایی انسان‌ها در مواجهه با قدرت نیروهای مافوق طبیعی سرچشمه گرفته‌اند و بخشی از رفتارهای فردی و اجتماعی بشر را تحت تأثیر قرار داده‌اند. «اسطوره‌ها که تصویری از چگونگی زندگی انسان را در دسترس ما قرار می‌دهند با آیین‌ها ارتباطی تنگاتنگ دارند» (دشتی، ۱۳۹۸: ۱۷) و «گاه نقش و کارکرد گیاهان در زندگی روزمره و جاری، چنان عادی و بدیهی می‌نماید که به کل فراموش می‌شوند و این درحالی است که فلسفه وجودی این عناصر زنده و پویای طبیعی در چهارچوب نظام فکری و اعتقادی هر ایرانی، غیر قابل انکار است» (متین، ۱۴۰۰: ۹).

آیین‌ها و مناسک، به کنش‌های جمعی و نمادینی گفته می‌شود که در بستر زمان و فرهنگ، برای تکرار یک رویداد مقدس، ایجاد نظم و ارتباط با نیروهای مافوق طبیعی اجرا می‌شوند. این آیین‌ها، به‌ویژه در بسترهای کشاورزی و زیستی، اغلب با عناصر طبیعی و گیاهان گره خورده‌اند. واژه آیین در زبان سانسکریت از ریشه "Rita" به معنی «نظم»

گرفته شده است و معلوم نیست چه زمانی پدید آمده. حتی برگزار کنندگان آیین غالباً از زمان پیدایشش بی خبر هستند، گرچه این واژه از حافظه موروثی شان به یادگار مانده است (رک: ستاری، ۱۳۸۹: ۱۶). «مراسم آیینی وسیله اجرایی آموزه‌ها و دستوره‌های دینی و مذهبی در هر جامعه و بیشتر برای تعدیل افراط و تفریط‌های رفتاری اعضای آن جامعه است» (شریعتی راد و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۰). پژوهشگران دین‌شناسی معتقدند «آیین، رسم و روشی مقدس توأم با معنا و ارزش هستی‌شناختی است که غالباً به صورت جمعی برگزار می‌شود» (تمیم‌داری و نوتاش، ۱۳۹۸: ۱۱۹). در تعریف آیین و خاستگاه آن، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد بنابراین نمی‌توان به تعریفی جامع و کامل از آن دست‌یافت. «ویکتور ترنر» با رویکردی انسان‌شناختی، آیین‌ها را فعالیت‌هایی کلیشه‌ای می‌داند که با اشارات، کلمات و اشیاء ویژه‌ای در ارتباط‌اند، در مکان‌های ویژه‌ای برگزار می‌شوند و به دنبال تأثیرگذاری بر موجودات و نیروهای ماورای طبیعت، با هدف تأمین مصلحت و منفعت آیین‌گزاران هستند (رک: Turner، ۱۹۷۳: ۱۱۰۰). «امیل دورکیم» و پیروانش، آیین‌ها را بخشی از نظام گسترده‌ای می‌دانند که به عنوان الگوی ساختاری جامعه و جنبه‌های پویایی نظام نمادین آن به شمار می‌آیند. دورکیم معتقد بود که آیین‌ها شامل اعمال متفاوتی می‌شوند و در واقع هر چیزی می‌تواند در معرض آیینی شدن و مقدس شدن قرار گیرد، اما این تقدس، وجه ذاتی امور نیست، بلکه مفهومی مرتبط با ساختار اجتماعی آنهاست (رک: تمیم‌داری و نوتاش، ۱۳۹۸: ۱۲۱) و گاهی نحوه برخورد افراد با امور و اشیاء، موجب تقدس برخی از آنها می‌شود. می‌توان گفت «آیین‌ها کنش‌های فعالی هستند که بر اساس بنیان‌های اعتقادی و ضرورت‌های اجتماعی در بین جوامع انسانی شکل گرفته‌اند و باعث حفظ و برساختن ارزش‌ها و باورهای انسانی و اجتماعی در میان انسان‌ها می‌شوند» (همان: ۱۲۲).

عموماً عوامل شکل‌گیری آیین‌ها و ریشه آن‌ها را دو چیز می‌دانند. برخی بنیاد آیین‌ها را صرفاً بر اسطوره‌ها و پنداشت‌های افسانه‌ای و برخی بر حوادث و رویدادهای تاریخی قرار می‌دهند. «آیین‌های مبتنی بر اسطوره، شکلی نمایشی از پندارهای ذهن ابتدایی در جوامع و تفسیر و تعبیر عینی و عملی اندیشه‌های سازنده این پندارهاست. در صورتی که آیین‌های مبتنی بر واقعه تاریخی شکل نمایشی و رفتارهایی هستند که در بیرون از ذهن و پندار مردم و در حیات تاریخی - اجتماعی جامعه رخ داده‌اند و مردم در آن رویدادها شرکت داشته یا شاهد آن‌ها بوده‌اند» (بلوک‌باشی، ۱۳۸۳: ۴۸). مبدأ و منشأ بسیاری از آیین‌ها مشخص نیست ولی اغلب آن‌ها تأثیر گرفته از عقایدی است که مردم به آن باور دارند. آیین‌ها عموماً به صورت جمعی و با مشارکت افراد انجام می‌شوند و می‌توان گفت آیین‌ها، ساز و کاری برای حفظ تعادل روحی و آرامش انسان‌ها هستند و وجود آن‌ها ضروری است. «برگزاری جشن‌ها و آیین‌ها به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی و اعتقادی جامعه بستگی دارد» (روح‌الامینی، ۱۴۰۱: ۱۰). شیوه برگزاری آیین‌ها در مناطق مختلف با هم تفاوت‌هایی دارند و کمتر جشنی را می‌توان یافت که در دو جامعه، یکسان برگزار شوند ولی اصل و کلیت آن‌ها یکی است و شباهت‌های زیادی با هم دارند که منعکس‌کننده عقاید مشترک آن‌ها می‌باشد. در فرهنگ ایرانی،

آیین‌ها، جشن‌ها و مراسم متعددی وجود دارند که با گیاهان و طبیعت ارتباطی مستقیم یا غیر مستقیم دارند در این بخش، بررسی خواهیم کرد که نقش این گیاهان به عنوان نمادهای فرهنگی، دینی و اجتماعی در این آیین‌ها به چه صورت است و چگونه بر روابط انسانی و هویت اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارند.

۱-۲- نوروز (جشن فرورها)

نوروز، آیین باستانی و باشکوه در فرهنگ ایرانی است که از دیرباز آن را گرامی داشته‌اند و اکنون نیز هر ساله در ایران و برخی کشورهای فارسی‌زبان آن را ارج می‌نهند. «نوروز از مهم‌ترین و بارزترین مراسمی است که در آن از گیاهان آیینی که در عین حال در نظام تغذیه و معیشت ایرانیان باستان ارزش ویژه‌ای داشتند، استفاده می‌شود» (متین، ۱۴۰۰: ۱۱۷) نوروز که آغاز سال نو در تقویم ایرانی است در هنگام اعتدال بهاری برگزار می‌شود. «جشنی است که از روز هرمزد (روز اول) از ماه فروردین شروع می‌شود و تا مدتی دوام دارد. این عید که از بزرگ‌ترین اعیاد ملی ایرانیان و نماینده قریحه شاداب این ملت کهنسال در میان اعیاد سایر ملل از آن جهت چشمگیرتر و ماندگارتر است که در هنگام جوانی جهان برپا می‌شود. یعنی مبشر نو شدن زمان و به پایان رسیدن عمر زمستان است» (شعبانی، ۱۳۷۸: ۶). در این روز، طبیعت را به عنوان نمادی از تجدید حیات گرامی می‌دارند و از آنجا که همزمان با آغاز فصل بهار و شکوفایی طبیعت است گیاهان، نقش برجسته‌ای در این جشن دارند.

نوروز یک جشن کیهانی است و هنگامه آن، گاهی است که پرتو آفتاب به برج حمل می‌افتد و آغازگر اعتدال بهاری می‌گردد؛ یعنی دقیقا همان لحظه‌ای است که هزاره هاست با نواختن بر طبل‌ها و کرنای‌ها و شلیک توپ‌ها، آن را ایرانی‌زادگان از پدر به پسر گرامی داشته‌اند. در نوروز نو شدگی عالم کبیر با نو شدگی عالم صغیر همراه می‌شوند؛ طبیعت نو می‌شود، مردم جامعه نو می‌پوشند و خانه‌ها را می‌آریند و... که این اعمال و نو شدگی رفتار همزمان با نو شدگی عالم طبیعت می‌گردد پس به درستی نوروز تقارن آدمی با طبیعت است (رک: نکویی، ۱۴۰۴: ۵).

برخی آیین‌های مربوط به جشن نوروز که پیش از سال نو انجام می‌شوند عبارت‌اند از: خانه‌تکانی، کاشتن سبزه، پنجه، میرنوروزی، آمدن حاجی فیروز، چهارشنبه‌سوری، چیدن سفره هفت‌سین و... پس از سال تحویل نیز دید و بازدید و عید دیدنی، سیزده بدر و... انجام می‌شوند.

۱-۲-۱- چهارشنبه سوری

چهارشنبه‌سوری از جمله آیین‌هایی است که در آن گیاه و درخت، مهم شمرده می‌شوند و در شب آخرین چهارشنبه سال، مردم نزدیک غروب آفتاب از خانه‌هایشان بیرون می‌آیند و آتش می‌افروزند و از روی آن می‌پزند و با گفتن «زردی من از تو، سرخی تو از من»، بیماری‌ها، دردها و ناراحتی‌های سال کهنه را طبق اعتقاداتشان به آتش می‌سپارند تا سال جدید را با شادی و سلامتی آغاز کنند؛ زیرا آتش را نماد پاکی و دفع شر و بدی‌ها، روشنائی، تغییر و شروعی دوباره می‌دانند. «اسفند دود کردن، آجیل خوردن، فال گرفتن، فال گوش و قاشق‌زنی نیز از باورها و رسم‌هایی است که به‌ویژه

در بین نوجوانان هنوز به کلی فراموش نشده است» (روح‌الامینی، ۱۴۰۱: ۴۹) برخی معتقدند برافروختن آتش در این روز بازمانده سنت اعلان سال نو با آتش‌افروزی بر بام‌هاست و پریدن از آتش، یادآور عبور سیاوش، ایزدگای شهیدشونده ایرانی از آتش است. در قدیمی‌ترین اشاره به «شب سوری» در تاریخ بخارا اشاره‌ای به روز چهارشنبه نیست (رک: نرشخی، ۱۳۵۱: ۳۷) و انتخاب روز چهارشنبه، احتمالاً ناشی از ورود اندیشه نحس‌پنداری این روز از فرهنگ اعراب به فرهنگ بومیان ایران باشد.

در این آیین، گیاهان نه تنها به شکل نمادین در دودکردن اسفند حضور دارند؛ بلکه در غذاها و خوراکی‌های ویژه چهارشنبه‌سوری نیز نمایان می‌شوند و نمادهایی از سرزندگی و شروع دوباره هستند. در میان آجیل‌های چهارشنبه‌سوری، کشمش، پسته، بادام، گردو و فندق بسیار پرطرفدار هستند. برای برخی نیز در این شب خوردن کشمش و خرما به عنوان نمادهایی از باروری، فراوانی و برکت بسیار اهمیت دارد. چهارشنبه‌سوری نه تنها یک جشن مذهبی و فرهنگی، بلکه نمادی از پذیرش و تغییر و آغازی نوین است و به‌طور غیرمستقیم با تغییر فصل مرتبط است و انتخاب آتش به عنوان عنصر محوری این آیین با اسطوره کشاورزی «پاکسازی زمین» برای آغاز فصل کشت همخوانی دارد به‌نوعی مقدمات رویش نو را فراهم می‌کند و به استقبال بهار می‌رود و به تجدید حیات طبیعت اشاره دارد.

۲-۱-۲- بزرگداشت مردگان (جشن فوهرها)

یکی از آیین‌های کهن پیش از نوروز، یادکردن از مردگان است. نوروز در واقع جشن بزرگداشت ایزدنباتی شهیدشونده است به این صورت که خدا/ ایزد شهید می‌شده و زنده شدن دوباره او با جشن و سرور همراه بوده است. معمولاً پیش از پنجه (پنج روز قبل از سال نو) خدای نباتی (دوموزی سومری / سیاوش ایرانی) شهید می‌شده (رک: بهار، ۱۴۰۲: ۳۴۰-۳۴۱) و با شروع بهار زنده شده و به جهان زندگان می‌گشت. مردم معتقدند که همان‌طور که در بهار همه چیز زنده می‌شود و طبیعت حیاتی مجدد می‌یابد، در سال نو ارواح مردگان به خانه‌هایشان بازمی‌گردند. «نوروز جشن فوهرها می‌باشد. در این هنگام ارواح درگذشته‌ها به منازل خود بازمی‌گردند» (همان: ۹۹). به همین دلیل برای شادکردن روان آن‌ها، خلنه‌ها را تمیز می‌کنند و لباس نو برتن می‌کنند و به استقبال آن‌ها می‌روند و برای هدایت آن‌ها در یافتن منازل، بر بام‌ها آتش روشن می‌کنند؛ البته این رسم امروزه بیشتر در روستاها انجام می‌شود. علاوه بر این برای گرامی‌داشتن مردگان در آخرین پنج‌شنبه سال، غذا و خوراک تهیه می‌کنند و خیرات می‌دهند تا ثواب آن به روح درگذشتگان برسد. ابوریحان بیرونی نیز در کتاب «التفهیم» درباره این رسم می‌گوید: «... و گبرکان در این پنج روز خورش و شراب نهند، روان‌های مردگان را و همی‌گویند که جان مرده بیاید و آن غذا گیرد» (بیرونی، ۱۳۵۷: ۲۵۶).

۲-۱-۳- حاجی فیروز (آتش‌افروز)

یکی از آیین‌هایی که پیش از نوروز انجام می‌شود مراسم مربوط به حاجی‌فیروز است. رسم بوده که در هر منطقه چند نفر لباس‌هایی رنگارنگ، مخصوصاً قرمز می‌پوشیدند که این لباس‌ها زنگوله هم داشت و کلاهی به سر می‌گذاشتند

و چهره خود را سیاه می‌کردند و چند روز مانده به عید با موسیقی و آواز خود، همچون نیایش و جادوی باران طبیعت را بیدار می‌کردند و آمدن بهار را مژده می‌دادند.

برای حاجی فیروز نام‌های مختلفی وجود دارد. «مردم خراسان به آن بی‌بی نوروزک، در خمین اراک به آن ننه‌نوروز، در سواحل خلیج فارس به آن مامانوروز یا بابانوروز، در گیلان به آن پیربابا، در آذربایجان به آن ننه مریم و... می‌گویند» (مهدوی، ۱۴۰۱: ۱۱۹).

به عقیده مهرداد بهار، حاجی فیروز، بازمانده آیین بازگشت خدای شهیدشونده نباتی و نماد باززایی طبیعت بعد از مرگ زمستان است که از زیر زمین می‌آید و به این دلیل سیاه‌چهره است که از جهان مردگان برمی‌گردد. شخصیت سیاوش در افسانه‌ها و حماسه‌های ما برابر است با این خدای شهیدشونده. سیاوش شهید می‌شود و از خون او گیاه می‌روید و در قالب کیخسرو به این جهان بازمی‌گردد (رک: واحد دوست، ۱۳۹۹: ۳۴۴). «خزان سیاوش با مرگ وی و بهار او با تولد گیاهی که از خون او می‌روید و تولد کیخسرو بعد از مرگ اوست» (مهدوی، ۱۴۰۱: ۱۰۴). البته، «آنچه در سده اخیر به صورت حاجی فیروز با لباس قرمز و کلاه زنگوله‌دار و چهره سیاه در حوالی نوروز در خیابان‌ها و معابر با دایره و ساز و آواز ظاهر می‌شود می‌تواند تغییر شکل یافته همان «میر نوروزی» باشد» (یا حقی، ۱۳۹۸: ۸۰۵).

۴-۱-۲- سبزه کاشتن

از اسفندماه کم‌کم زمان کاشت غله و دانه فرامی‌رسد. کاشتن سبزه برای سفره هفت‌سین از دیرباز در بین ایرانیان مرسوم است. سبزه را از دانه‌هایی چون گندم، جو، عدس، ماش، کنجد، نارنج و... می‌کاشتند و بر اساس رشد هر کدام به این نتیجه می‌رسیدند که کدام دانه‌ها در کشاورزی امسال بهتر محصول می‌دهند. چنان‌که ابوریحان بیرونی نیز نقل می‌کند که «این رسم در ایرانیان پایدار ماند که روز نوروز در کنار خانه هفت صنف از غلات در هفت اسطوانه بکارند و از رویدن این غلات، به خوبی و بدی زراعت و حاصل سالیانه حدس بزنند» (بیرونی، ۱۳۶۳: ۳۳۰).

سبزه کاشتن و به عمل آوردن آن و آبیاری مرتب سبزه برای رشد کردن، در نوروز حکایت از تأمین آب کافی برای گیاهان در سال جدید دارد. همه این امور با این باور انجام می‌شود که با این کار به طبیعت تلقین می‌شود تا باران و آب کافی بباراند تا گیاهان و درختان پرورش یابند. امروزه نیز رسم است از دو هفته مانده به نوروز در ظرف‌های بزرگ و کوچک، سبزه می‌کارند و موقع تحویل سال در سفره هفت‌سین می‌گذارند چون سبزه، نماد سرسبزی، طراوت، برکت و باروری است. این سبزه‌ها را «تا روز سیزده نگه داشته و در این روز زمانی که برای سیزده بدر از خانه بیرون می‌روند، در آب روان می‌اندازند» (روح الامینی، ۱۴۰۱: ۵۶) و هدف اصلی از این کار که جنبه تمثیلی دارد آن است «که طبیعت را به تحرک و جنبش وادارند که نباتات و گیاهان رشد کنند» (رضی، ۱۳۸۴: ۳۹۳).

۵-۱-۲- چیدن سفره هفت‌سین

طبق آیینی کهن، زنان ایرانی پیش از سال تحویل سفره هفت‌سین می‌چینند و همه اعضای خانواده در کنار آن دور هم جمع می‌شوند. هفت‌سین شامل هفت چیزی است که «با حرف «س» آغاز می‌شود، و نماد و شگونی بر فراوانی رویدنی‌ها و فراورده‌های کشاورزی است- چون سیب، سبزه، سنجد، سماق، سیر، سرکه، سمنو و مانند این‌ها می‌گذارند» (همان: ۵۶). علاوه بر این، در سفره هفت‌سین، قرآن کریم، آینه و شمعدان، تخم مرغ، اسپند، عود، آب، ماهی، گلاب و... نیز قرار می‌دهند که هر یک از این‌ها به نوعی برای مردم مقدس‌اند و آن‌ها را گرامی می‌دارند و با استفاده از آن‌ها، خواهان برکت، خیر، فراوانی و باروری هستند.

سیب، نماد سلامتی است و در ایران کهن همواره در دیدار هم می‌گفتند: «سیب باش» و مقصودشان از این جمله، همانا آرزوی سلامتی و تندرستی برای طرف مقابل بوده‌است.

سنجد را نماد عقل‌گرایی و خردگرایی می‌دانند و آن را در سفره هفت‌سین می‌گذارند تا در آغاز سال هرکاری را سنجیده انجام بدهند زیرا نخستین آفریده خداوند خرد و دانایی است.

سرکه، نماد صبر و تحمل در برابر دشواری‌هاست. آن را نماد تکامل نیز می‌دانند و وجود آن در سفره هفت‌سین به نوعی بیانگر این است که در پی هر آسایشی، رنجی و در پی هررنجی نیز آسایشی در راه خواهد بود.

سماق، نماد عدالت، صبر و امید به زندگی است و اشاره به مبارزه و ایستادگی و صبوری برای رسیدن به خواسته‌ها و آرزوها دارد.

سمنو، نماد ستایش قدرت و مبارزه با ضعف و نکوهش آن است. سمنو خود از جوانه گندم درست می‌شود که از گیاهان مقدس و محترم در نزد مردم است و به همین دلیل سمنو نیز یک غذای مقدس و روحانی به‌شمار می‌آید و در درمان بسیاری از بیماری‌ها مفید است و حتی امروزه نیز در کنار آماه‌زاده‌ها مراسم سمنوپزان برگزار می‌شود.

سیر، نماد رعایت حد و حدود و احترام به حقوق دیگران است. گیاهی مقدس و ضد عفونی کننده بدن، میکروب‌کش، بادشکن، ضد سرماخوردگی، ضد سرطان و... است و در درمان بسیاری از بیماری‌ها مؤثر است. مردم با قرار دادن آن در سفره هفت‌سین آرزو می‌کنند به حقوق دیگران احترام بگذارند، چشم‌سیر باشند و از بیماری‌ها در امان باشند.

سبزه، نماد خرمی، شادابی، از خودگذشتگی و طراوت است و آن را در سفره هفت‌سین قرار می‌دهیم تا درخت زندگی را به یاد بیاوریم و شکرگزار یزدان باشیم و خواهان سرسبزی، طراوت و باروری از ایشان باشیم.

آینه، نماد پاکی، صفا، یک‌رنگی است و هرکسی در ابتدای سال نو، به آینه نگاه کند، سال جدید برایش همراه با لطف و صفا خواهد بود.

آب، مایه حیات، روشنایی، خیر و برکت است و در قدیم رسم بوده که دختران مجرد، آب سفره هفت‌سین را از چشمه می‌آوردند و آن را نشانه باروری و برکت می‌دانستند.

اسفند از گیاهان مقدس است که در مراسم مختلف شادی و غم ایرانیان نقشی برجسته دارد و برخی آن را در سفره هفت‌سین قرار می‌دهند و دود کردن آن موجب دفع شر و بدی و درمان بیماری‌ها می‌شود (رک: مهدوی، ۱۴۰۱: ۱۴۱-۱۲۸). اسفند را کسی نکاشته و باراده خدا رویده‌است، به همین جهت مقدس است (رک: متین، ۱۳۹۲: ۴۲).

سکه، نماد برکت و روزی است و معتقدند تعداد آن در سفره هفت‌سین نباید زوج باشد و برای برکت‌افزایی بیشتر بهتر است آن‌ها را در کاسه‌ای برنج که خود از گیاهان مقدس می‌باشد، قرارداد.

وجود هر چیزی در سفره هفت‌سین علتی دارد و اصلی‌ترین نماد سفره هفت‌سین، طلب برکت و سلامتی از طبیعت برای همه انسان‌ها است.

۶-۱-۲- سیزده‌بدر

سیزده‌بدر، یکی از آیین‌های مهم نوروز است که «هیچ سابقه مکتوبی در منابع ادبی و تاریخی قدیمی ندارد و کهن‌ترین اسناد مربوط به آن ظاهراً از دوره فتحعلی‌شاه قاجار است. خاطرات و سفرنامه‌های عصر قاجار نشان می‌دهد که هم شاه و رجال درباری و هم عامه مردم، مراسم روز سیزده فروردین را به صورت رسمی و گسترده اجرا می‌کردند» (آیدنلو، ۱۳۹۷: ۱۳۵). در این روز خانواده‌ها به صورت گروهی، غذایی برای ظهر تدارک می‌بینند و به دامن طبیعت می‌روند تا «به اصطلاح، نحسی سیزده را بدر کنند و سبزه هفت‌سین را نیز به آب روان می‌اندازند» (مهدوی، ۱۴۰۱: ۱۴۵) یا آن را در دل طبیعت رها می‌کنند. «بسیاری از مراسمی که در جشن سیزده در ایران برگزار می‌شوند معانی اساطیری و تمثیلی دارند. شادی و خنده در این روز، به معنی فروریختن اندیشه‌های تیره و پلید است و روبوسی و معانقه، نماد آشتی و به‌منزله تزکیه است. خوردن غذا در دشت، نشانه فدیة گوسفند بریان است که در اوستا آمده، و به آب افکندن سبزه‌های تازه‌رسته، نشانه دادن فدیة به ایزد آب یا ناهید و گره‌زدن سبزه برای بازشدن بخت، تمثیلی از پیوند زن و مرد برای تسلسل نسل‌هاست. رسم مسابقات برد و باختی، به‌ویژه اسب‌دوانی، یادآور کشمکش ایزد باران و دیو خشکسالی است» (یاحقی، ۱۳۹۸: ۵۰۰). مشی و مشیانه که پسر و دختر دوقلوی کیومرث بودند، روز سیزده فروردین برای اولین بار در جهان باهم ازدواج نمودند. در آن زمان چون عقد و نکاحی شناخته‌شده نبود آن دو به وسیله گره‌زدن دوشاخه مورد، پایه ازدواج خود را بنا نهادند و چون ایرانیان باستان از این راز به خوبی آگاه بودند، آن مراسم را به ویژه دختران و پسران دم‌بخت انجام می‌دادند و امروز هم دختران و پسران برای بستن پیمان زناشویی نیت می‌کنند و سبزه گره‌می‌زنند (رک: زارعی، ۱۳۹۶: ۴۷ به نقل از رضی، ۱۳۸۴: ۴۹۳-۴۹۲).

در برخی روستاهای خراسان، مرسوم است که در غروب روز سیزدهم فروردین در یک مکان مقدس - امام‌زاده یا کنار یک درخت مقدس - زنان و دختران گرد هم می‌آیند و نذری می‌دهند و زنان میان‌سال، عروسک‌هایی از چوب و پارچه می‌سازند و برای زنانی که فرزند ندارند دعا می‌کنند تا صاحب فرزند شوند و اگر دعایشان برآورده شد باید سال بعد در همان مکان نذری بدهند که این نذری‌ها عموماً عبارت‌اند از گندم بوداده‌شده، آجیل، شیرینی، شکلات، چای، شربت

و.... برخی نیز به درخت مقدس متوسل می‌شوند و آرزوهایشان را به درخت می‌گویند و پارچه‌ای را به شاخه‌های درخت می‌بندند و در آنجا شادی و پایکوبی می‌کنند و در پایان برای داشتن سالی پربرکت، پرباران و پرمحصول دعا می‌کنند و این چنین تعطیلات نوروز را به پایان می‌رسانند.

۲-۲- شب یلدا (چله)

یکی دیگر از مهم‌ترین آیین‌ها نزد ایرانیان، گرمی داشت شب آخر پاییز و اولین شب آغاز زمستان است که آن را یلدا می‌نامند. یلدا، طولانی‌ترین شب سال است و از فردای آن، به طول روزها افزوده می‌شود و از طول شب کم می‌شود تا روز اول فروردین که اعتدالین صورت می‌گیرد. این شب با شروع تغییراتی در نظام طبیعت مصادف است. شب تولد خورشید و نخستین جشن خورشیدی در آیین‌های ایرانی است. "ایرانیان، این آیین را که به شب‌نشینی و دورهمی می‌گذرد شب چله می‌خوانند که بعدها به شب یلدا معروف شد" (تمیم‌داری و نوتاش، ۱۳۹۸: ۱۴۰).

دهخدا، یلدا را واژه‌ای سریانی و به معنی ولادت یا میلاد می‌داند. بنابر باور پیشینیان، در پایان این شب دراز، که آن را اهریمنی و نامبارک می‌دانند، تاریکی شکست می‌خورد و روشنایی پیروزی می‌شود و خورشید زاده می‌شود و روزها رو به بلندی می‌نهند (رک: روح‌الامینی، ۱۴۰۱: ۹۰). یلدا، روز تولد خورشید یا مهر یا میترا است و ایرانیان از دیرباز آن را گرمی می‌دارند.

در این شب خویشاوندان و اقوام نزدیک، در خانه بزرگان گرد هم می‌آیند و هدیه دادن، قصه‌گویی، کتاب‌خوانی و شاهنامه‌خوانی، تفأل به دیوان حافظ، خوردن میوه و آجیل و بازی‌های گروهی از آداب دیگر این آیین دیرینه خانوادگی است (رک: شایسته‌رخ، ۱۳۹۰: ۱۱). در این شب رسم است که مردم هندوانه، انار، کدو و آجیل می‌خورند. بنا بر باورهای کهن ایرانی، «در درخت لنار روح زاینده‌گی وجود دارد و دلنه‌های فراوان میوه لنار، حاکی از انتقال این روح از درخت به میوه آن است. همچنین هندوانه نیز به دلیل داشتن تخمه‌های بسیار، نشانی از باروری و برکت با خود دارد. به طور کلی خوردن لنار، هندوانه و آجیل در شب یلدا، روح باروری و زاینده‌گی آنها را به انسان منتقل می‌کند. یک دلیل دیگر اهمیت خوردن انار و هندوانه در شب یلدا، این‌همانی رنگ سرخ آنها با خورشید است که در باور پیشینیان مقدس انگاشته شده است» (تمیم‌داری و نوتاش، ۱۳۹۸: ۱۴۱).

۲-۳- آیین مهرگان

در روزشمار کهن ایرانی، هریک از سی‌روز ماه را نامی است که نام دوازده‌ماه سال نیز در میان آنها هست. پیشینیان در هر ماه، زمانی که نام ماه و نام روز در آنها یکی بود، آن را جشن می‌گرفتند. پس از اسلام از میان جشن‌های دوازده‌گانه ایرانیان، تنها جشنی که به صورت رسمی و باشکوه برگزار می‌شد، مهرگان بود (رک: روح‌الامینی، ۱۴۰۱: ۷۹). روز شانزدهم مهرماه را که روز مهر از مهر بود، مهرگان می‌نامیدند و آن را گرمی می‌داشتند. افزون بر آن در این روز مناسبت‌های دیگری را نیز برای این جشن برمی‌شمردند که عبارت‌اند از:

۱. مهر روز از ماه مهر را شروع زمان اعتدال پاییزی می‌دانستند و به نوعی آن روز، آغاز سال نو هخامنشیان به‌شمار می‌رفت.

۲. روایت شده‌است که «مشی و مشیانه»- که برخی معتقدند دوشاخه گیاه ریواس هستند که نسل‌های مختلف بشر از آن‌ها به‌وجود آمده‌اند- در این روز متولد شده‌اند و جان گرفته‌اند.

۳. در این روز فریدون به کمک کاوه آهنگر به ضحاک پیروز شدند و فریدون به تخت پادشاهی رسید و به عدل‌گستری پرداخت (رک: مهدوی، ۱۴۰۱: ۲۱۱).

رسوم معمول در این جشن به این صورت بوده‌است که در چند مرحله در روزهای متوالی خود را غسل می‌دادند و برای پاک شدن از گناهان، به خود ضربات شلاق می‌زدند و نیز یکی از آداب آن، چرب کردن بدن با روغن بوده و پس از مراسم با پاشیدن گلاب به یکدیگر، بدن خود را معطر می‌کردند. این مراسم را بیشتر مهرپرستان و روحانیان میتراپی انجام می‌دادند و مردم نیز در این مسیر آن‌ها را همراهی می‌کردند. یکی از آداب این جشن، قربانی کردن گاو یا سایر احشام بوده است و در کنار آن با نوشیدن هوم (شراب مقدس) - که از گیاهان و ایزدان مقدس به‌شمار می‌رفت - به شادی و سرور و پایکوبی می‌پرداختند. نام کودکان متولد این روز، ترکیبی از مهر بود: مهراب، مهرنوش و ... (رک: همان: ۱۱۸-۲۲۰).

در آیین مهرگان، گیاهان خشک‌شده و گل‌های تازه به‌عنوان نمادهای شادابی و برکت در مراسم استفاده می‌شوند و تأکید بر اهمیت طبیعت و گیاهان در زندگی روزمره مردم دارد. گیاهان در این مراسم نمادهایی از نیکویی، فراوانی و برکت محسوب می‌شوند. در این جشن به‌نوعی ایرانیان به شکرگزاری برای محصولات کشاورزی و گیاهان می‌پردازند و مهرگان را جشن خوشبختی، برکت و وفور نعمت‌های طبیعی و کشاورزی می‌دانند. در این جشن چون نوروز، سفره پهن می‌کنند اما عظمت آن مانند هفت‌سین نیست و در این سفره با انواع میوه‌های فصل از جمله: انار، سیب، چوب‌های معطر و شیره هوم پذیرایی می‌کنند. مهرگان با گذر زمان به فراموشی سپرده‌شده است و امروزه فقط در نقاط محدودی از ایران از جمله یزد و کرمان با آدابی خاص و به صورت جشنی خانوادگی برگزار می‌شود.

۴-۲- آیین‌های ازدواج و عروسی

در بررسی اساطیر هند و اروپایی با کهن‌الگویی مشترک مواجه می‌شویم که در آن نخستین موجودات جهان، جفتی آسمانی و زمینی هستند. خدای آسمان با عملی شبیه باران، خدای زمین را بارور می‌کند که حاصل آن تولد خدایان دیگر و پدیده‌های طبیعی و موجودات زنده است (رک: دشتی، ۱۳۹۸: ۸۸). کهن‌الگوی آسمان پدر و زمین مادر در مراسم ازدواج و زناشویی در نقاط مختلف بازتاب می‌یابد و دختران و پسران جوان، طبق آیین و رسومی خاص باهم ازدواج می‌کنند و با برگزاری جشن و شادی زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند.

آیین‌های خواستگاری و ازدواج از دیرباز با سنت‌های گوناگونی انجام می‌گیرد. در برخی از جوامع، گیاهان در مراسم ازدواج به‌عنوان نمادهایی از رشد، باروری و تداوم نسل‌ها استفاده می‌شوند و نشان‌دهنده پیوند بین دو نفر و همچنین پیوند آن‌ها با طبیعت و اجدادشان می‌باشند. این گیاهان معمولاً به‌عنوان هدایای معنوی از خانواده‌های دو طرف به‌شمار می‌روند. تقدس و اهمیت گیاهان در آیین‌های ازدواج ایرانیان به وضوح به‌چشم می‌خورد. در مراسم عقدکنان، ضمن آراستن عروس با دستبند و تاجی از گل‌های طبیعی، سفره عقد نیز با گل آراسته می‌شود و علاوه بر گل در سفره عقد، قرآن، آینه، شمعدان، آب، نان، پنیر، سبزی و عسل از مواردی هستند که وجود آن‌ها در سفره عقد ضروری است و بسیاری از آن‌ها نماد برکت، زایش و باروری هستند.

در مراسم عروسی نیز در کنار جشن و پایکوبی، آیین‌هایی انجام می‌شود که مرتبط با تقدس ایزدان گیاهی و باروری هستند. از جمله این آیین‌ها می‌توان آیین نان بستن به کمر عروس، انار انداختن، حنابندان، هدیه دادن درخت و... را نام برد. اکنون هریک را به صورت مختصر توضیح می‌دهیم:

هنگام خداحافظی عروس از خانه پدرش، پدر یا برادر بزرگ‌تر عروس یک نان را در پارچه‌ای سفیدرنگ پیچیده و به کمر عروس می‌بندد. آن‌گاه دست دخترشان را در دست داماد می‌گذارد و برایشان آرزوی خوشبختی می‌کند. باور کهنی نزد ایرانیان است که ایزد «هدیش» به حکم خداوند تقدیس نان را به مشی و مشیانه آموخت و این باور موجب شده مردم حرمت زیادی برای نان قایل شوند (رک: متین، ۱۴۰۰: ۳۰). نان که از گندم درست شده است در این رسم نماد برکت و فراوانی و نعمت می‌باشد و «در برخی از داستان‌های اسطوره‌آفرینش، گندم عنصری اساسی است» (همان: ۳۱) و پاکی قداست آن در آیین‌های مختلف ثابت می‌شود.

انار انداختن از جمله آیین‌هایی است که در عروسی‌های ایرانی از دیرباز وجود دارد و در آن انار، سیب، قند و... را در ظرفی می‌چینند و داماد به کمک یکی از دوستان نزدیک یا برادرش در یک بلندی می‌ایستد و آن‌ها را به سمت مهمانان می‌اندازد و هرکسی بتواند یکی از آن‌ها را بگیرد برایش شگون دارد. انار به‌خاطر دانه‌های فراوان، نشانه باروری است و بر اساس یک سنت کهن در میان برخی از اقوام، در شب عروسی، «عروس اناری را بر زمین می‌اندازد تا بترکد و دانه‌هایش روی زمین پخش شود. تعداد دانه‌های پخش شده نمایانگر این است که او چند فرزند به دنیا خواهد آورد» (عادل‌زاده و کامران‌پاشایی، ۱۳۹۴: ۳۶۶).

رسم حنابندان از جمله آیین‌های مهم در عروسی‌های ایرانیان است و «حنابستن پیش از وصال معشوق به عنوان یک نماد و استعاره در فرهنگ ایران کاربرد دارد» (متین، ۱۴۰۰: ۹۸). از آنجایی که حنا از گیاهان مقدس نزد ایرانیان است و حتی جنبه شفابخشی دارد در مراسم گوناگون و جشن‌های شادی به‌ویژه در عروسی‌ها دست‌ها و گاه پاهای عروس و داماد را با آن می‌آرایند. حتی در زمان جنگ ایران و عراق چون رزمنده‌ها احتمال شهادت و پیوستن به لقاءالله را می‌دادند، پیش از شروع عملیات حنا می‌بستند (رک: همان). در برخی مناطق مرسوم است همراه با حنا، سکه یا هدیه‌ای کوچک

در دست عروس قرار می‌دهند تا پسران و دختران کم‌سن و سال فامیل آن را بردارند و هدف از این کار به نوعی دعای باروری و فرزندآوری برای عروس است هم‌چنین در زمان حنابندان اقوام درجه یک هدیه و شاباش فراوانی به عروس و داماد می‌دهند.

یکی دیگر از رسوم قدیمی در مراسم عروسی که با تقدس گیاهان پیوند دارد، این است که زمانی که عروس را به خانه‌اش می‌برند روبندش را باز نمی‌کند تا از پدر همسرش هدیه‌ای گران‌بها بگیرد. هدیه او در این مراسم معمولاً یک درخت گردو یا سرو بود و بسیار شگون داشت.

۲-۵- تولد نوزاد

یکی از رویدادهای شاد و مهم در زندگی خانواده‌های ایرانی، تولد یک نوزاد است. پس از تولد نوزاد، پدرش یک دسته گل و یک هدیه برای همسرش می‌برد تا از او تشکر و قدردانی کند و این امر نشان‌دهنده اهمیت گیاهان و منعکس کننده عشق او به همسر و فرزندش می‌باشد. در برخی نقاط ایران همزمان با تولد فرزندشان، یک درخت به نام او می‌کارند و معتقدند به نوعی حیات و سلامت آن به حیات و سلامت نوزاد متولدشده گره خورده است و باید با حساسیت زیادی از آن مراقبت شود. زردشتیان نیز در زادروز فرزندشان یک درخت همیشه سبز نظیر مورد، سرو یا کاج می‌کاشتند (رک: متین، ۱۳۹۲: ۱۲۷). علم نباتات مظهر مجسم واقعیتی است که به زندگی تبدیل می‌شود و بی‌آنکه ریشه‌اش بخشکد، هر دم می‌آفریند و با تجلی صورت‌های بی‌شمار تجلید حیات می‌کند و حیاتش هیچ‌گاه پایان نمی‌گیرد. لمس درخت برای بارگیری یا حفاظت نوزاد، متضمن بینشی جامع از واقعیت و حیات متداخل در جسم نباتات است و آن بینش در معنی درخت کیهانی یا درخت زندگی نیز هست و در هر دو مورد زندگی از طریق رمزی نباتی متجلی می‌شود (رک: واحد دوست، ۱۳۹۹: ۳۴۱).

۲-۶- آیین‌های عزاداری

انسان از ابتدای زندگی‌اش تا پایان آن همواره با گیاهان پیوندی ناگسستنی دارد و همان‌طور که هنگام تولد برخی به نوزاد گلاب می‌پاشند تا خوشبو و سرزنده باشد، پس از مرگ نیز مرده را با کافور شست و شو می‌دهند تا خوشبو باشد و در مراسم تدفین و عزاداری نیز گیاهان نقشی برجسته دارند. در روزهای سوم، چهارم و سالگرد، یکی از چیزهایی که بر مزار متوفی یا در مراسم او خودنمایی می‌کند حضور انواع گل می‌باشد که نماد احترام و یادبود و عشق به متوفی می‌باشد. از جمله گل‌هایی که در این مراسم استفاده می‌شود می‌توان گل یاس، لاله، رز و نسترن را نام برد که هر یک به نوعی آرامش‌بخش بازماندگان و نشانه احترام به متوفی و خانواده ایشان می‌باشد و به‌عنوان نمادهایی از بازگشت روح یا ارتباط با ارواح اجداد، تجدید حیات روحانی و یادآوری یاد و خاطره اجداد و عزیزان از دست رفته هستند.

برخی نیز پس از مرگ عزیزشان، یک درخت همیشه سبز مثل سرو یا کاج به عنوان نماد زندگی جاودانه در کنار آرامگاه او می‌کارند تا از او به بادگار بماند زیرا «در فرهنگ ایرانی درخت سرو به دلیل همیشه سبز بودن و زنده بودنش، نمادی

از جاودانگی و انوشکی است» (جهان‌پور، ۱۳۹۵: ۲۲). پس از مرگ، معمولاً اقوام متوفی زمانی که بر مزار او گردمی آیند سنگ مزارش را با آب یا گلاب شست‌وشو می‌دهند و معتقدند موجب پاکی و آرامش روحش می‌گردد.

در مراسم عزاداری که برای ائمه برگزار می‌شود مثل تاسوعا، عاشورا و... نیز از گیاهان برای نشان‌دادن احترام و تسکین خاطر عزاداران استفاده می‌شود. «باور به تداوم حیات انسانی پس از مرگ در ذات گیاه، سبب شد که انسان‌ها مرگ را پایان زندگی ندانند و خود را عنصری جاودانه در عرصه کیهان و کائنات قلمداد کنند. براین اساس، مراسم مربوط به مرگ و باززایی را در قلب کاشت درخت بر گورها، برپاکردن علم و نخل‌ها نمایش می‌دهند» (همان). این گیاهان معمولاً به عنوان نشانه‌هایی از ایمان، استقامت و یادآوری بزرگان راه حق به کار می‌روند. گلابی که از گل‌های محمدی و رز تهیه شده است در مراسم عزاداری ائمه بر روی عزاداران پاشیده می‌شود تا آرامش بخش دل‌هایشان باشد و نمادی از تطهیر روح، شفا بخشی و یادآور پاکی است.

در مراسم عزاداری ائمه، گاه مردم نذری‌هایی می‌دهند که گیاهان و مواد گیاهی نقش پررنگی در آن‌ها دارند. مثل: حلیم، حلوا، آش، برنج، و... که اصلی‌ترین مواد غذایی آن از گیاهانی چون گندم، برنج، زعفران و... می‌باشند که نماد برکت و فراوانی است. چای و خرما یکی از محبوب‌ترین ابزار پذیرایی در عزاداری‌ها و مراسم نذری است که هر دو در نزد ایرانیان محبوبیت دارند و دارای جایگاه والا و مقدسی‌اند که استفاده از آن‌ها در این مراسم به ایجاد فضای معنوی و مذهبی و از بین بردن آلودگی‌های روحی کمک می‌کند.

۷-۲- آیین‌های کشاورزی

گیاهان علاوه بر نقش معنوی، در مناسک کشاورزی و فصلی نیز حضور دارند. از آنجایی که اقتصاد بسیاری از خانواده‌های ایرانی، به ویژه روستائینان بر پایه کشاورزی است و هر سال همزمان با کاشت و برداشت محصولات خود آیین‌هایی را به جای می‌آورند که در ارتباط با گیاه هستند چون گیاه، مهم‌ترین رکن در کشاورزی است. دعای باران، گریه زنان برای باریدن باران، کاشت محصولات توسط زنان به دلیل قدرت باروری، بخشی از این رسوم می‌باشند. بیش‌تر آیین‌هایی که در ایران انجام می‌شود مثل: نوروز، مهرگان، تیرگان و... مربوط به کشاورزی است و در این آیین‌ها درختان و گیاهان به عنوان نمادهایی از باروری و فراوانی استفاده می‌شوند و نه تنها به عنوان مایه‌های زندگی و خوراک، بلکه به عنوان ارواحی مقدس و نمادهای پیوند میان انسان‌ها و طبیعت، نقش آفرین هستند.

در هنگام کاشت گیاهان زمین را شخم می‌زنند و چون زمین را مادر می‌دانند خاک آن را تازه می‌کنند تا تازه و آماده باروری شود و آن‌گاه بذر گیاه مورد نظر را با آیین‌هایی خاص در خاک می‌گذارند تا با بارش باران رشد کنند. آن‌ها معتقدند که انسان نباید گیاهان و درختان را قطع کند و اگر این کار را بکند باید به جای آن نهالی بکارد و گرنه سرنوشتی شوم در انتظار اوست (رک: قربانی و شامیان، ۱۴۰۲: ۱۴۳).

کشاورزان در هنگام برداشت گیاهان نیز مراسم خاصی دارند. «مراسم سازه‌نیک و نثارکردن طی فعالیت برداشت محصول چای در گیلان» (متین، ۱۴۰۰: ۱۰۶) انجام می‌شود. در برخی مناطق از جمله خراسان، روز اول درو محصولات کشاورزی یک دسته از محصول را همان ابتدا می‌بندند و در گوشه‌ای قرار می‌دهند و زمانی که صاحب زمین یا کشاورز به سر زمین می‌آید آن را جلوی او قرار می‌دهند و در قبال آن پول یا سکه دریافت می‌کنند و معتقدند برکت دارد. پس از برداشت محصولات کشاورزی آن‌ها را به خرمن‌گاه می‌برند و طی آدابی محصول اصلی را از کاه آن جدا می‌کنند و کاه را برای دام‌هایشان استفاده می‌کنند و محصولاتی چون گندم، جو، عدس، نخود، برنج و... را برای استفاده روزانه خود و یا فروش آماده می‌کنند. در پایان نیز برای شکرگزاری، جشن خرمن‌برگزار می‌کنند و به پایکوبی می‌پردازند.

۳- دستاورد

از ابتدای خلقت انسان تا پایان حیاتش به گیاه گره‌خورده است بنابراین انسان، ارزش زیادی برای گیاهان قایل است و آن‌ها را مقدس می‌داند. اعتقاد به گیاه‌تباری در بسیاری از جوامع فرهنگی و مذهبی، پیوندی عمیق میان انسان، طبیعت و جهان ماورای طبیعت برقرار می‌کند. این گیاهان نه تنها در آیین‌ها و مراسم دینی حضور دارند، بلکه به‌عنوان نمادهایی از هویت فرهنگی و اجتماعی نیز عمل می‌کنند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که گیاهان در طول تاریخ به‌عنوان ابزارهایی برای ارتباط با اجداد، نیروهای مقدس و طبیعت به‌کار گرفته شده‌اند و در مراسم مذهبی، جشن‌ها، عروسی‌ها و عزاداری‌ها و آیین‌های کشاورزی نقش بسزایی داشته‌اند و در آیین‌های مختلف مانند نوروز، مهرگان و تیرگان و... گیاهانی چون سبزه، سرو، کاج، نخل و گل محمدی و انواع میوه به‌عنوان نمادهایی از باروری، حیات دوباره و ارتباط با طبیعت مورد استفاده قرار می‌گیرند و به‌عنوان واسطه‌های معنوی در این مراسم حضور دارند و نقش مهمی در تقویت احساس هویت جمعی و استمرار فرهنگی دارند. با وجود تغییرات فرهنگی و اجتماعی در جوامع معاصر، اعتقاد به گیاه‌تباری همچنان در بسیاری از جوامع باقی‌مانده است و به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی و قومی تداوم دارد و فقط تغییراتی در قالب و نحوه استفاده از گیاهان ایجاد شده است. به‌ویژه در جشن‌های مذهبی و ملی، گیاهان در قالب نمادهایی از ارتباط انسان با طبیعت و میراث فرهنگی به‌کار گرفته می‌شوند.

منابع

۱. ارشاد، محمدرضا. (۱۳۸۲). *گستره اسطوره*، تهران: هرمس.
۲. آیدنلو، سجاد. (۱۳۹۷). «سابقه و سبب برگزاری سیزده‌بدر در سنت‌های ایرانی»، *دوماه‌نامه فرهنگ و ادبیات عامه*، سال ۶، ش ۲۰، صص ۱۶۰-۱۳۵.
۳. بلوک‌باشی، علی. (۱۳۸۳). *تعزیه‌خوانی حدیث قدسی مصائب در نمایش*، تهران: امیرکبیر.
۴. بهار، مهرداد. (۱۴۰۰). *پژوهشی در اساطیر ایران*، چاپ شانزدهم، تهران: آگه.

۵. ----- (۱۴۰۲). *از اسطوره تا تاریخ*، تهران: نشر چرخ (ناشر کتاب‌های علوم انسانی خانواده فرهنگی چشمه).
۶. بیرونی، ابوریحان. (۱۳۶۳). *آثار الباقیه*، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر.
۷. ----- (۱۳۵۷). *التفهیم لاوائل صناعت التنجیم*، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: انجمن آثار ملی.
۸. تمیم‌داری، احمد؛ نوتاش، مریم. (۱۳۹۸). *آیین‌ها و مراسم آیینی ایران و جهان*، چاپ اول، تهران: مهکامه.
۹. جهان‌پور، فاطمه. (۱۳۹۵). «انگاره سرو در خیال ایرانی، فصلنامه پازند»، سال ۱۲، ش ۲۴، صص ۲۶-۵.
۱۰. روح‌الامینی، محمود. (۱۴۰۱). *آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز*، چاپ هشتم، تهران: آگاه.
۱۱. زارعی، فرزانه. (۱۳۹۶). «خوانش تطبیقی خاستگاه و نمود ایزدبانوان گیاهی در تمدن بین‌النهرین (عراق، ایران)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۲. دشتی، نصرالله. (۱۳۹۸). *آئین نیکان (پیشینه اساطیری آداب و رسوم ایرانیان)*، چاپ اول، تهران: تیرگان.
۱۳. ستاری، جلال. (۱۳۸۹). *جهان اسطوره‌شناسی، آیین و اسطوره*، تهران: مرکز.
۱۴. سرمدی، زهره. (۱۴۰۰). «بررسی تطبیقی گیاه‌تباری در اساطیر جهان»، *مطالعات ادبیات تطبیقی*، ش ۵۸، صص ۵۵۰-۵۳۱.
۱۵. شایسته‌رخ، الهه. (۱۳۹۰). «آیین‌های شب یلدا در فرهنگ مردم ایران»، *نشریه فرهنگ مردم ایران*، ش ۲۷، صص ۲۵-۹.
۱۶. شریعتی، محمدرضا؛ شریفی، غلامحسین؛ طغیانی، اسحاق. (۱۳۹۸). «تحلیل بازتاب بن‌مایه گیاهی در آیین‌های مردمان کهکلیویه و بویراحمد»، *دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، سال ۷، ش ۲۹، صص ۹۱-۶۹.
۱۷. شعبانی، رضا. (۱۳۷۸). *آداب و رسوم نوروز*، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی - بین‌المللی.
۱۸. طاهری، صدرالدین؛ سلطانمرادی، زهره. (۱۳۹۲). «گیاه زندگی در ایران، میان‌رودان و مصر باستان»، *نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی*، دوره ۱۸، ش ۲، صص ۱۵-۱.
۱۹. عادل‌زاده، پروانه؛ کامران‌پاشایی، فخری. (۱۳۹۴). «بررسی آثار در اساطیر و بازتاب آن در ادب فارسی»، *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال ۸، ش ۱، صص ۳۷۴-۳۶۱.
۲۰. فاضلی، فیروز و دیگران. (۱۳۹۲). «رهیافت میان فرهنگی به گیاه و درخت در اساطیر و ادبیات»، *ادب پژوهشی*، ش ۲۳، صص ۳۳-۹.
۲۱. قاسم‌زاده، سیدعلی؛ امیری‌فر، عاطفه. (۱۳۹۷). «بازخوانی تطبیقی خویشکاری نباتات در اساطیر جهان»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، دوره ۷، ش ۲، صص ۱۵۳-۱۳۰.

۲۲. قربانی جویباری، کلثوم؛ شامیان، حسین. (۱۴۰۲) «ریشه‌های اساطیری و آیینی پیکرگردانی در افسانه‌های خراسان جنوبی»، پژوهشنامه فرهنگ و ادب آیینی، ش ۲، صص ۱۵۰-۱۳۱.
۲۳. متین، پیمان. (۱۴۰۰). *مردم‌گیاه: گیاهان آیینی در فرهنگ و فولکلور ایران*، چاپ سوم، تهران: فرهامه.
۲۴. مخبر، عباس. (۱۳۹۹). *مبانی اسطوره‌شناسی*، چاپ پنجم، تهران: مرکز.
۲۵. مهدوی، حسام‌الدین. (۱۴۰۱). *جشن‌ها و آیین‌های ایرانی: با تکیه بر اسطوره و مردم‌شناسی*، چاپ دوم، تهران: آواژه ابریشمی.
۲۶. میرفتاح، منصوره. (۱۳۸۹). *جشن‌ها و آیین‌های ایرانی*، تهران: محمد.
۲۷. نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر (۱۳۵۱). *تاریخ بخارا*. ترجمه ابونصر قبادی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۸. نکویی، علی. (۱۴۰۴). «نوروز؛ آیین گرامی‌داشت رستاخیز انسان و طبیعت»، مجله هنر و تمدن شرق، سال ۱۳، ش ۴۷، ص ۵.
۲۹. واحد دوست، مهوش. (۱۳۹۹). *نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی*، چاپ سوم، تهران: سروش.
۳۰. هیلنز، جان. (۱۴۰۱). *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ بیست و ششم، تهران: چشمه.
۳۱. یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۹۸). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*، چاپ ششم، تهران: فرهنگ معاصر.
۳۲. یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۷۸). *انسان و سمبول‌هایش*، ترجمه محمود سلطانی، تهران: جامی.
- Turner, v.w. (1973). symbols in african ritual, sciens 16 march, vol.179, no.4078.